



تمدن اسلامی بدون تقرب مذاهب و تعامل دولت های اسلامی ممکن نمی شود

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران در همایش «ایران و جهان عرب در مواجهه با چالش های منطقه ای» گفت: رسیدن به تمدن اسلامی بدون تقرب بین مذاهب و تعامل بین ملت ها و دولت های اسلامی میسر نخواهد بود.

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران در همایش «ایران و جهان عرب در مواجهه با چالش های منطقه ای» گفت: رسیدن به تمدن اسلامی بدون تقرب بین مذاهب و تعامل بین ملت ها و دولت های اسلامی میسر نخواهد بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن پیش رو، سخنرانی عبدالحسین خسروپناه، رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در همایش «ایران و جهان عرب در مواجهه با چالش های منطقه ای» است که متن کامل آن از نظر می گذرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على رسول الله و آله الطيبين الطاهرين و اصحابه المنتخبين، قال الله تبارك و تعالى في محكمه كتابه: «و اطيعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم واصبروا ان الله مع الصابرين» صدق الله العلي العظيم

در آغاز سخن از همه دست اندرکاران این همایش نخبگانی و همچنین از رئیس جلسه و حضار محترم تشکر می کنم. موضوع این همایش عبارت است از: بررسی فرصت های همکاری اعراب و ایران برای مقابله با چالش های منطقه ای. مقصود از همکاری عرب و ایران چیست؟ آیا مقصود تبدیل ملت های متعدد عرب و ملت ایران به ملت واحد است؟ آیا مقصود تبدیل دولت های عربی و دولت ایرانی به دولت واحد است؟ آیا مقصود حاکمیت و سلطه دولت ایرانی بر دولت های عربی یا سلطه دولت های عربی بر دولت ایرانی است؟ بدون شک، هیچ یک از این معانی، مقصود این همایش نیست. مقصود، تعامل ایران و عرب برای رسیدن به هدف مشترک یعنی حل مشکلات منطقه و در نهایت رسیدن به امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی است «و کذلک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره ۱۴۳) پس می توان با وجود دولت های مختلف و ملت های متعدد و اقوام گوناگون از امت اسلامی معتدل که بهترین امت است؛ برخوردار بود.

تاریخ اسلام نشان می دهد هرگاه مذاهب و اقوام گوناگون مسلمان با یکدیگر تعامل داشتند و دشمنی را کنار گذاشتند؛ توانستند به رشد و بالندگی و موفقیت برسند؛ مانند: دولت سامانیان از اهل سنت و دولت آل بویه از شیعه که با همکاری مشترک بین مذاهب مختلف توانستند در تمدن اسلامی نقش داشته باشند. تعامل بین حکومت زنگیان و حکومت فاطمیان در مقابله با مهاجمان مسیحی نیز باعث پیروزی مسلمانان در مصر شد و همچنین دشمنی سلجوقیان و فاطمیان با یکدیگر، باعث شکست سلجوقیان روم در گام اول و سپس شکست فاطمیان در قدس گردید.

خداوند متعال با صراحت در سوره انفال به اطاعت از خدا و رسول الله دعوت می کند و از نزاع با یکدیگر پرهیز می دارد و نتیجه نزاع را ناتوانی و زوال قوت و صلابت مسلمانان می خواند.

سخن بنده این است؛ امروز نه تنها تعامل ایران و عرب، بلکه تعامل همه ادیان ابراهیمی در برابر دنیای مادی استکبارگر معاصر لازم است. خدای سبحان می فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشرک به شیئاً»

دنیای مادی معاصر که نه تنها از خداوند فاصله می گیرد؛ بلکه با شعار اومانیزم تا نابودی انسان نیز پیش می رود. جنگ جهانی اول و دوم و صدها جنایت بعد از تشکیل سازمان ملل، دستاورد اومانیزم مدرن است.

ممکن است برخی از دولت های اسلامی گمان کنند که با تعامل با دولت های اروپایی یا آمریکایی یا رژیم صهیونیستی هم می توان به توسعه و تمدن رسید؛ ولی این گمان باطلی است؛ چون ماهیت غرب، استکبارگری و ثروت اندوزی و استعمارگری بر مبنای عقلانیت ایزاری است. غرب مدرن تا جنگ جهانی دوم به کشورها و ملت های خود هم رحم نکرد و اگر اینک به اتحادیه اروپا یا همکاری اروپا و امریکا رسیده اند؛ برای هدف مشترک یعنی سود بیشتر خود و استعمارگری مشترک نسبت به کشورهای اسلامی است. همچنین غرب با استراتژی دولت حداقلی و بخش خصوصی حداقلی، قدرت دولت های اسلامی را برای مدیریت کشورهای خود، ضعیف ساخته است؛ به همین جهت، کشوری مثل لبنان در روز، تنها سه ساعت برق دارد و مردم برای استفاده از آب باید هزینه سه آب شرب و آب شستشو و آب دولتی غیرقابل استفاده، هزینه کنند؛ رازش این است که دولت توان مدیریت کلان را ندارد و نمی تواند دست مافیای آب و برق را از کشور لبنان کوتاه کند. وضعیت کشور پاکستان و عربستان و تونس و مصر و غیره بهتر از لبنان نیست.

حال سؤال این است که چرا توهم ایران هراسی و شیعه هراسی به جای واقعیت دیگر یعنی دشمنی رژیم صهیونیستی نشسته است و چرا این توهم در رسانه‌های غربی دنبال می‌شود و برخی از کشورهای اسلامی، آن را باور می‌کنند؟! چرا دولت‌های اسلامی، مقاومت در فلسطین و لبنان را فراموش ساخته‌اند و نسبت به کشتار جمعی زنان و کودکان و مردم بی‌گناه توسط رژیم صهیونیستی و جنایت‌های جریان‌های تکفیری، بی تفاوت شده‌اند و گاهی هم کمک می‌کنند؟

جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت ساله عراق بر ضد ایران نشان داد که با ملت‌های عرب، دشمنی ندارد و به همین جهت، با وجود محکوم شدن دولت عراق، ایران از این کشور غرامت نگرفت و حتی با هم پیمانان حزب بعث عراق هم دشمنی نوزید.

شعار رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی و رهبر حکیم ایران، آیت الله خامنه‌ای، اتحاد بین مسلمانان جهان و توجه به دشمن مشترک یعنی رژیم صهیونیستی در راستای تمدن نوین اسلامی است. بنده از این شعار به نظریه کثرت در وحدت یاد می‌کنم؛ کثرت یعنی دولت‌ها و قومیت‌های مختلف و وحدت یعنی در مسیر تمدن واحد اسلامی قرار گرفتن است.

پروژه اصلی ایران علاوه بر دفاع از مظلوم، تعامل با جهان عرب برای رسیدن به تمدن اسلامی است. این پروژه، بدون تقریب بین مذاهب و تعامل بین ملت‌ها و دولت‌های اسلامی با یکدیگر میسر نخواهد بود. اما آسیب‌ها و موانع این پروژه در جهان معاصر عبارتند از: ۱- فرقه‌گرایی مذهبی و سیاسی و قومیتی ۲- تکفیر

وقتی همه علمای اسلام بر این باورند که هر شخصی بر توحید و رسالت رسول الله شهادت دهد؛ مسلمان است؛ پس تکفیر چه توجیهی دارد؟ این دو مانع، معلول چیست؟ به نظر بنده، معلول جهل مسلمانان است اما جهل مسلمانان به چه چیزی؟ جهل مسلمانان به سه چیز یعنی جهل مسلمانان به آموزه‌های اسلامی، جهل مسلمانان به مبانی دنیای استکبار و جهل مسلمانان نسبت به یکدیگر. پس باید جهل را کنار گذاشت و به عقلانیت رو آورد.

پروژه بنده برای تحقق همکاری بین ایران و عرب، پیوند بین عقلانیت و ایمان است تا هم جهل برطرف شود و هم بی‌ایمانی به حاشیه رانده شود. ایمان منهای عقلانیت، باعث تحجر و عقلانیت منهای ایمان، باعث نابودی بشریت می‌شود. پس بحران جهان اسلام، بحران عقلانیت و بحران استعمارپذیری است. عقلانیت ایمانی در جهان اسلام می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل مسلمانان با یکدیگر و در نهایت رسیدن به تمدن انسانی و اسلامی فراهم سازد.

اما چگونه به این زمینه‌سازی می‌توان رسید؟ اجازه بدهید راه کار کوتاه مدت و میان مدتی پیشنهاد بدهم. راه کار کوتاه مدت، گفتگوی نخبگانی و دفاع از حفظ مرزهای اسلامی است و راه کار میان مدت، نقش نخبگان برای توقف جنگ‌های خانمان سوز در منطقه و تبادل علمی میان مراکز علمی و پژوهشی در ایران و کشورهای عربی است. ارتباط حکمی و معرفتی و علمی و صنعتی و انجام پروژه‌های مشترک در حوزه علوم پایه و صنعتی با رویکرد اسلامی و انتقال تجارب علمی به یکدیگر می‌توانند به عنوان راه کارهای میان مدت برای تقویت رابطه ایران و عرب، معرفی شوند. دو نکته پایانی: اول، باید مسلمانان از حکمت بهره ببرند و فقه خود را کارآمد سازند و فقه‌الاحکام را با رویکرد نظامات اجتماعی و با رهیافت مقاصد شریعت یا رهیافت مصلحت مسلمین تدوین کنند. دوم، باید نخبگان ایران و عرب، محافظه‌کاری را کنار گذاشته و با جهاد کبیر در راستای تعامل حکمی و معرفتی و علمی و فرهنگی تلاش نمایند. «فلاتطع الکافرین و جاهدکم به جهاداً کبیراً»

شکراً لاستماعکم و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته